

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام

سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

تحلیل ژئوپلیتیکی عوامل هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام*

دکتر محمدرضا حافظ نیا

استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران

ریباز قربانی نژاد

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران

محسن جان پرور

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران

چکیده

ساختار فضایی-جغرافیایی جهان اسلام که از جنوب شرق آسیا تا غرب افریقا و جنوب شرق اروپا امتداد یافته است، شامل بیش از پنجاه کشور می‌شود که حدود ۲۲ درصد خشکی‌های جهان را تشکیل می‌دهند. این ساختار فضایی-جغرافیایی، شامل عوامل متعدد هم‌گرا نظیر تهدید مشترک، منافع مشترک و متقابل و ارزشهای مشترک و تجانس ساختاری می‌شود، که زمینه‌ی پیوند بین کشورهای جهان اسلام را فراهم آورده است؛ از سوی دیگر در این ساختار فضایی-جغرافیایی عوامل واگرایی متعددی نظیر تفاوت فرهنگی، قومی، مذهبی و زبانی، در کنار اختلافات سرزمینی و مرزی و رقابت‌های منطقه‌ای نیز وجود دارد که سبب شده است گسیختگی و واگرایی بین کشورهای جهان اسلام را به وجود آید. با بررسی‌های صورت گرفته در این مقاله و تحلیل وضعیت و شواهد موجود در جهان اسلام به این نتیجه می‌رسیم که نیروهای ژئوپلیتیکی واگراساز نسبت به نیروهای هم‌گراساز از اهمیت و وزن بیشتری برخوردارند. به طوری که، در این رابطه چنین به نظر می‌رسد که عوامل و متغیرهای اصلی واگرایی در جهان اسلام، جنبه‌ی ژئوپلیتیکی داشته و رقابت بر سر گسترش حوزه‌ی نفوذ در مقیاس‌های مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و فراملی، نقش عمده‌ای را در این زمینه ایفا می‌کند.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۰۴/۰۷

مقاله‌ی حاضر سعی دارد با رویکردی توصیفی - تحلیلی به تبیین ژئوپلیتیکی نیروهای هم‌گراساز و واگراساز در جهان اسلام بپردازد و با طبقه‌بندی این عوامل، زمینه را برای شناخت بهتر آن‌ها فراهم سازد.

واژگان کلیدی:

جهان اسلام، هم‌گرایی، واگرایی (سیر کولاسیون)، ژئوپلیتیک

مقدمه

دین اسلام در قرن هفتم میلادی با ظهور پیامبر بزرگ آن، حضرت محمد (ص)، در شبه جزیره‌ی عربستان ظهور کرد. این تفکر الهی به سرعت گسترش پیدا کرد و قلمرو عظیمی را از اقیانوس اطلس تا کرانه‌های غربی اقیانوس آرام در بر گرفت. در حال حاضر مجموعه‌ی عظیم جغرافیایی جهان اسلام، سرزمینی را به طول یازده هزار کیلومتر و به عرض بیش از پنج هزار کیلومتر، با ترکیبی بسیار متنوع از نظر انسانی و طبیعی شامل می‌شود که ساختار فضایی - جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود.

این قلمرو عظیم جغرافیایی که حدود ۲۲ درصد خشکی‌ها و فضاها را جغرافیایی جهان را در بر می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹)، ۲۴۹ و شکل دهنده‌ی ساختار فضایی - جغرافیایی ویژه‌ای است که دارای ویژگی‌ها و مشخصات خاصی است که آن را از سایر ساختارهای فضایی - جغرافیایی موجود در جهان نظیر ساختار فضایی - جغرافیایی بودایسم، غربی و ... متمایز می‌کند. در داخل ساختار فضایی - جغرافیایی جهان اسلام یک سری عوامل وجود دارد که زمینه‌ی هم‌گرایی را در بین کشورهای تشکیل دهنده‌ی جهان اسلام برقرار می‌کنند. این عوامل شامل: احساس تهدید مشترک، منافع مشترک و متقابل، ارزش‌های مشترک و تجانس ساختاری است. در طرف مقابل در این ساختار فضایی - جغرافیایی در کنار عوامل هم‌گرا، عوامل واگرایی وجود دارد که زمینه واگرایی و دوری کشورهای جهان اسلام از یکدیگر را فراهم می‌آورد. این عوامل و اگر شامل تجربیات تاریخی کاملاً متفاوت، پراکندگی جغرافیایی کشورهای اسلامی و توزیع آنها در قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا، وضعیت اقتصادی مختلف، در پیش گرفتن ایدئولوژی‌های متمایز از یکدیگر از جانب حاکمان، ساختارهای متفاوت فرهنگی، قومی و زبانی، برداشت‌های متفاوت از مسایل دینی و عقیدتی، نفوذ و بهره‌برداری عوامل استعمار از این تمایزات و ... است. این دو نیروی هم‌گرا و واگرا در جهان اسلام به صورت متقابل و در خلاف جهت یکدیگر و هر کدام در جهت کاهش یا افزایش اختلافات در این ساختار فضایی - جغرافیایی عمل می‌کنند. بر این اساس، و با توجه به شرایط سیاسی - اجتماعی کنونی جهان اسلام که از جانب ساختارهای فضایی - جغرافیایی مختلف، نظیر هندویسم، بودایسم، صهیونیسم و ... تحت فشار قرار دارد و

هر از چند گاهی به شکلی بر این فشار افزوده می‌شود؛ به عنوان مثال، ایجاد کشور اسرائیل به مثابه یک غده‌ی سرطانی در بطن جهان اسلام از سوی ساختار فضایی-جغرافیایی غربی، یا کشتار فجیع مسلمانان میانمار توسط هندوها و بودایی‌های افراطی؛ مقاله‌ی حاضر بر آن است تا با دیدی ژئوپلیتیکی عوامل موثر بر هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

روش تحقیق

این مقاله مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای است. در روش کتابخانه‌ای بیشتر بررسی و مطالعه کتب داخلی و خارجی مربوطه، مجلات و فصل‌نامه‌ها، و سایت‌های اینترنتی مورد تأکید قرار گرفته است. پس از گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن‌ها به طور عمده از طریق توصیف و مبتنی بر تفکر و منطق و استدلال صورت گرفته است. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر در هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام کدام‌ها هستند و غلبه با کدام یک است؟

مبانی نظری تحقیق

ژئوپلیتیک (Geopolitic)

جغرافیای سیاسی شاخه‌ای از علم جغرافیا است که تأثیرپذیری و تأثیرگذاری سیاست و قدرت در محیط جغرافیایی و به بیان دیگر، تأثیر تصمیمات سیاسی بر محیط جغرافیایی را مورد کاوش و بررسی قرار می‌دهد. نقش ویژه‌ی جغرافیای سیاسی، سازماندهی سیاسی فضا در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای است (عزتی، ۱۳۸۰، ۲۷). ژئوپلیتیک که به طور سنتی بر اساس اطلاعات، دیدگاه‌ها و تکنیک‌های جغرافیایی به مسائل سیاست خارجی کشورها می‌پردازد، یک نوع جغرافیای سیاسی کاربردی قلمداد می‌شود (احمدی‌پور، ۱۳۸۵، ۳۷). جغرافیای سیاسی، پدیده‌های سیاسی را در فضای درونی یک کشور مورد بحث قرار می‌دهد که به طور سنتی شامل مفاهیمی مانند مرز، ملت، حکومت و سرزمین است. نظر به این که یک کشور در بطن مطالعات جغرافیای سیاسی جای دارد، از پیوند سه عامل ملت، حکومت و سرزمین، کشور تشکیل می‌شود؛ بنابراین همه موضوعات مرتبط با این مفاهیم، مانند ریشه‌یابی مسائل قومی، جریانات مهاجرت، تحلیل قدرت سیاسی نواحی شهری، تحلیل فضایی قدرت سیاسی در سطح کشور، تقسیمات کشوری و رقابت‌های مکانی، دولت محلی، تمرکز و عدم تمرکز قدرت سیاسی جغرافیای انتخابات، از جمله مسائل مرتبط با کشور هستند که امروزه در جغرافیای سیاسی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند (مویر، ۱۳۷۹، ۳۲).

از طرف دیگر، در حوزه‌ی مسائل جهانی نیز که قلمرو مطالعات ژئوپلیتیک است، به طور سنتی درباره‌ی مناسبات قدرت در سطح جهان و راه‌های دستیابی به قدرت جهانی و افزایش آن بحث و بررسی می‌شود. در حال حاضر تحولاتی که در سیاست جهان روی داده است تنوع بیشتری به مباحث ژئوپلیتیک بخشیده و این شاخه از جغرافیای سیاسی، مفاهیم تازه و متنوعی را مورد بحث قرار می‌دهد. (مجتهد زاده، ۱۳۸۱)، ۱۵۶)

جغرافیا و ژئوپلیتیک هر منطقه نقش عمده‌ای در برقراری روابط مسالمت‌آمیز و حسنه و یا برعکس وجود تنش و منازعه میان کشورهای آن منطقه برعهده دارد. به عبارتی ریشه‌ی بسیاری از تنش‌ها و منازعات در روابط میان کشورها در ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آن‌ها نهفته است. از سوی دیگر، پایدار بودن ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی سبب ماندگاری و طولانی‌تر شدن تنش‌ها و منازعات ناشی از آن‌ها شده است؛ و همین امر حکومت‌ها را در حل و فصل این اختلافات و تنش‌ها ناتوان ساخته است.

درباره‌ی موضوع و مفهوم ژئوپلیتیک و متغیرهای ژئوپلیتیکی دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است؛ بر همین اساس، طیف موضوعی ژئوپلیتیک بسیار گسترده است. در ادامه به چند نمونه از آن، فهرست‌وار اشاره می‌شود:

- ژئوپلیتیک به عنوان دانش کسب قدرت
- ژئوپلیتیک به عنوان دانش رقابت و گسترش حوزه‌ی نفوذ
- ژئوپلیتیک به عنوان تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست و روابط دولت‌ها
- ژئوپلیتیک به عنوان دانش مناطق بحرانی
- ژئوپلیتیک به عنوان دانش مرزهای بین‌المللی
- ژئوپلیتیک به عنوان دانش روابط قدرت
- ژئوپلیتیک به عنوان دانش نتایج منطبق نبودن دو الگوی فضایی عرضه و تقاضای منابع حیاتی. (حافظ نیا، ۱۳۸۵)، ۱۸-۱۷)

آنچه از تعاریف فوق استنباط می‌شود این است که تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی در ابعاد مختلف داخلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی در همه‌ی آنها می‌تواند نمود پیدا کند و در هر کدام از طیف‌های هفت‌گانه‌ی بالا به عنوان یک موضوع مستقل، مطالعه و تبیین گردد. ضمناً از آنجا که ژئوپلیتیک روابط، پارامترهای مربوط به جغرافیا، سیاست و قدرت را مطالعه می‌کند، در این پژوهش تمامی متغیرهای مربوط به سه مفهوم جغرافیا، سیاست و قدرت، در ذیل عنوان ژئوپلیتیک قرار می‌گیرند.

هم‌گرایی (Convergence) و واگرایی (Divergence)

۱- هم‌گرایی

تعاریف مختلفی از هم‌گرایی شده است؛ گاهی آن را یک فرایند، گاه وضعیت نهایی وحدت سیاسی در روابط واحدهای مستقل تعبیر کرده‌اند. این تفاوت نگرشی، از اختلافات سلیقه‌ای است که تحلیل‌گران از موضوع وحدت دارند (کاظمی، ۱۳۷۰)، ۳۶). به‌عنوان مثال «ارنست هاس» (Ernest Haas) از جمله کسانی است که معتقد است هم‌گرایی یک فرآیند است، که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل در کشورهای مختلف، به این باور تن می‌دهند که نفع آنها در تجمع و وحدت در تأسیس دولت متمرکز جدیدی است که جایگزین دولت‌های ملی شود. (Haas, 1958). هم‌گرایی واژه‌ای است که در برابر واگرایی (Disintegration) مطرح می‌گردد و عبارت است از فرایندی که دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم، به‌طور داوطلبانه و آگاهانه، از قسمتی از اقتدار خود و اعمال آن، برای دستیابی به اهداف مشترکشان صرف نظر کرده و از یک قدرت ما فوق ملی تبعیت نمایند. در هم‌گرایی تلاش بر این است که عوامل اختلاف‌زا و زمینه‌های ناسیونالیستی؛ همچون وفاداری‌های ملی و احساسات ناسیونالیستی و ... را کنار بگذارند.

همچنین هم‌گرایی به‌عنوان نظریه‌ای که به دنبال صلح و ثبات است، پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است و امروزه آنچنان فراگیر شده که کشورهای مختلف جهان را به آن متمایل ساخته است تا از طریق آن صلح و امنیت را به‌وجود آورند و ضریب امنیت خود را افزایش دهند (محمودی، ۱۳۸۱)، ۳۲).

۲- واگرایی

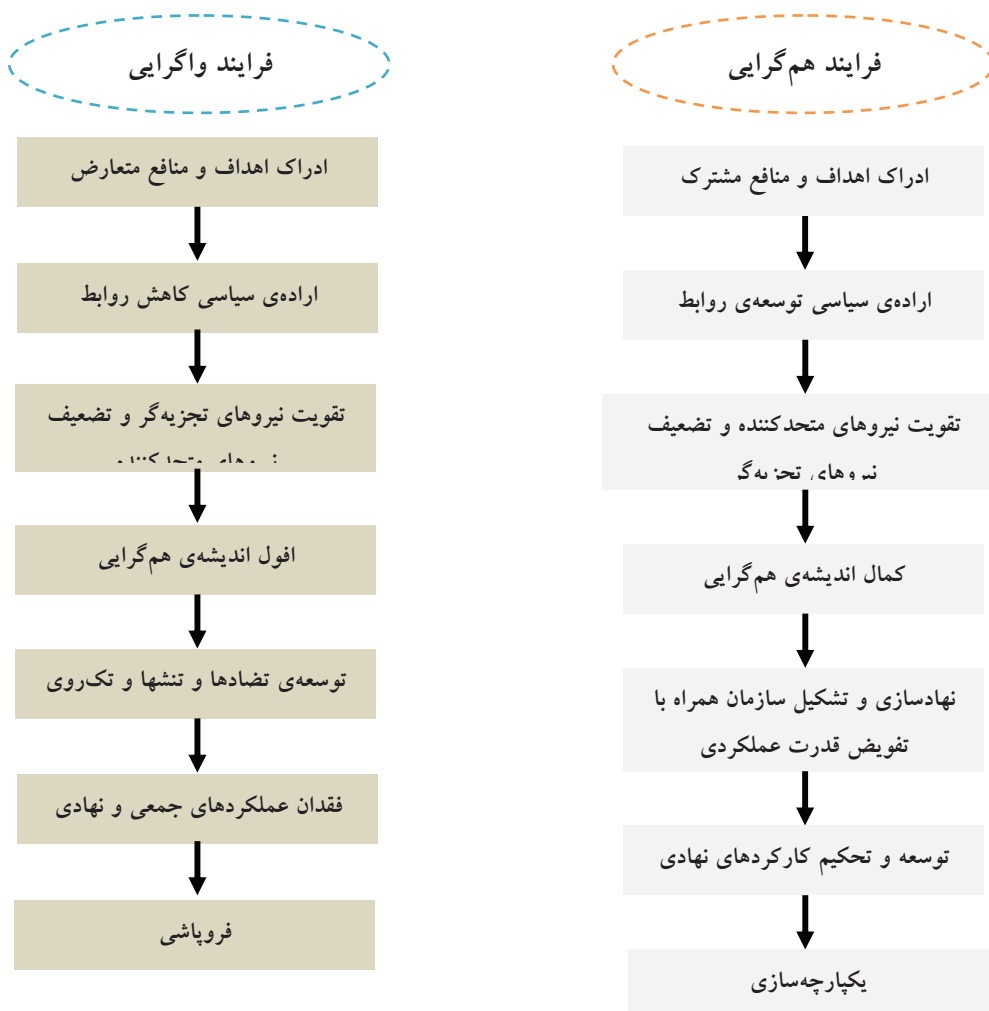
واگرایی عبارت است از فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و در آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید. (قوام، ۱۳۷۰)، ۲۲۹). تجزیه عبارت است از شکستن یک کلیت یا سیستم به اجزا و بخش‌های کوچک‌تر به نحوی که وجود و کارکردهای آن نابود گردد (Cowie, 1989:345). در کل، شکل‌گیری فرایند واگرایی در یک ساختار فضایی - جغرافیایی، مستلزم وجود زمینه‌ها و عوامل مختلفی است که عمده‌ی آن‌ها به شرح زیر است:

- ۱- گسیختگی فضایی و جغرافیایی و فقدان بستر و کالبد یکپارچه‌ساز، به‌خصوص در مقیاس محلی و منطقه‌ای (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳)، ۶۵)؛
- ۲- گسیختگی، تضاد و تعارض فرهنگی، دینی و ایدئولوژیکی؛
- ۳- تعارض منافع ملی و جمعی در امور منطقه‌ای و جهانی؛ نظیر توسعه‌ی حوزه‌ی نفوذ در مناطق دچار خلأ قدرت، برای سیادت منطقه‌ای و جهانی (ویک لین، ۱۳۶۸)، ۶۵)
- ۴- بروز تعارضات درون‌ساختی و نگرش رقابت‌آمیز اعضا نسبت به یکدیگر، به‌ویژه آن‌هایی که دارای وزن ژئوپلیتیکی متوازن هستند، یا احساس تهدید مشترک امنیتی نسبت به یکدیگر؛
- ۵- محو شدن اهداف و یا تهدیدات مشترک اعضا؛

۶۲/ تحلیل ژئوپلیتیکی عوامل هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام

- ۶- وجود سازه‌های ائتلافی رقیب و یا متداخل که می‌تواند برخی از اعضای ائتلاف را جذب و باعث از هم پاشیدگی آن شود؛
- ۷- بروز تحولات درون‌ساختی هر یک از اعضا در زمینه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و غیره. نظیر فروپاشی پیمان «سنتو» با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹)، (۵۸)؛
- ۸- رقابت اقتصادی که منعکس‌کننده تلاش جوامع و دولت‌های سرمایه‌داری برای جذب بیشتر بازار محصولات، نیروی انسانی و مواد خام ارزان‌تر است. (قوام، ۱۳۷۰)، (۲۳۵)؛
- نمودارهای شماره (۱) و (۲) فرایند هم‌گرایی و واگرایی را بیان می‌کند:

نمدها، (۱) و (۲): فرایند هم‌گرایی و واگرایی.



(حافظ‌نیا، ۱۳۸۵)، (۳۷۴)

هم‌گرایی و واگرایی، دو رفتار متضاد در روابط دولت‌ها و بازیگران سیاسی هستند. شکل‌گیری، بقا و یا سقوط فرایند هم‌گرایی و واگرایی، تابعی از تلقی دولت‌ها و بازیگران نسبت به منافع ملی و جمعی یا فردی خود است. به عبارت دیگر، بازیگری که تن به شرکت در فرایند هم‌گرایی یا واگرایی با سایر بازیگران می‌دهد، به این مسأله می‌اندیشد که این عمل تا چه اندازه منافع او را تأمین و تهدیدات را از او دور می‌سازد. بنابراین فلسفه‌ی این دو پدیده را درک وجود منفعت برای بازیگران، در پرتو شکل‌گیری آن‌ها تشکیل می‌دهد. به هر ترتیب، هم‌گرایی و واگرایی به عنوان فرایند، و یکپارچگی و تجزیه به عنوان پدیده، از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار هستند. زیرا پیدایش، شکل‌گیری، بقا، نابودی و احیای مجدد آن‌ها محصول تعامل عناصر سه‌گانه‌ی جغرافیا، سیاست و قدرت است. به عبارت دیگر نمی‌توان موردی از فرایند هم‌گرایی و واگرایی و یا یکپارچگی و تجزیه را سراغ گرفت که متغیرهای جغرافیا، سیاست و قدرت، در ابعاد مختلف آن نقش ایفا ننماید. یعنی، علت وجودی و پیدایش ساختار و سیستم و بالاخره کارکردهای آن‌ها، محصول ترکیب متغیرهای عناصر سه‌گانه است.

یافته‌های تحقیق

الف) قلمرو و مشخصات جغرافیایی جهان اسلام

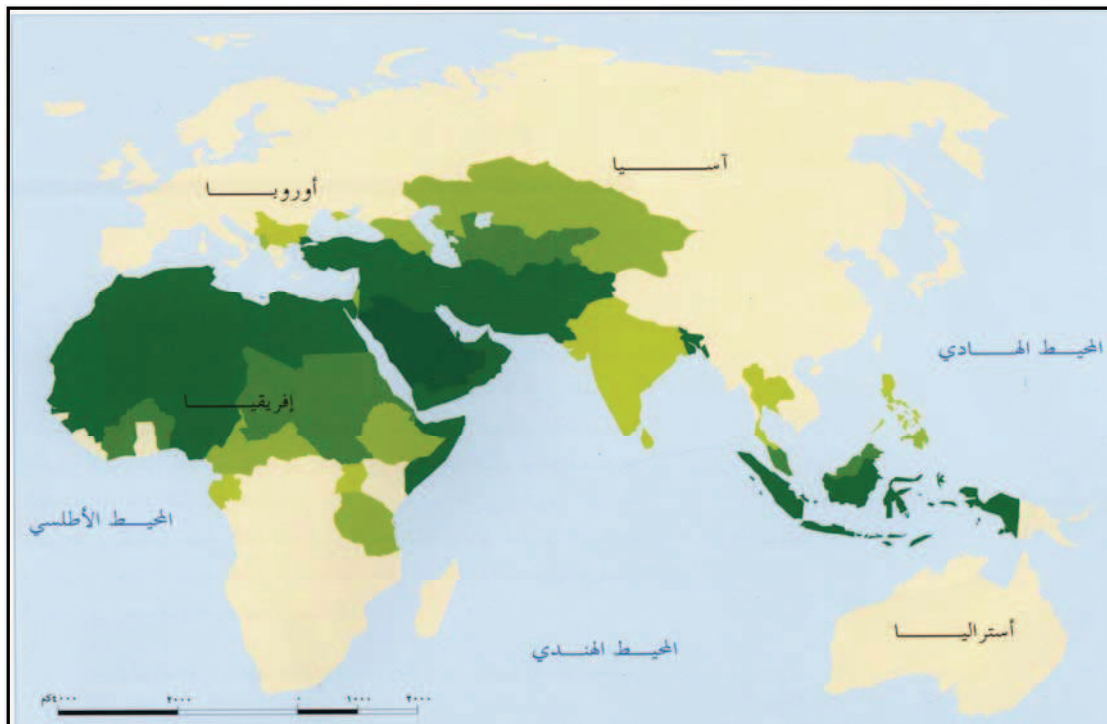
جهان اسلام شامل یک بدنه‌ی اصلی است که از کرانه‌های اقیانوس اطلس شروع شده است و با جهتی تقریباً از جنوب غربی به شمال شرقی، تا غرب چین امتداد می‌یابد. خارج از این بدنه‌ی پیوسته و یکپارچه‌ی ارضی و جغرافیایی، قطعات پراکنده‌ی جغرافیایی نیز در اطراف آن یا سایر مناطق جهان وجود دارد که اکثریت قاطع یا نسبی جمعیت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند. (عزتی، ۱۳۷۸)، (۳۱) جهان اسلام از جهت موقعیت جغرافیایی بین ۱۸ درجه‌ی عرض جنوبی و ۵۸ درجه‌ی عرض شمالی و نیز بین ۱۷ درجه‌ی طول غربی و ۱۳۵ درجه‌ی طول شرقی قرار گرفته است. در واقع کشش جغرافیایی و عرصه آن به گونه‌ای است که مجموعاً ۷۲ درجه‌ی عرض جغرافیایی و ۱۵۲ درجه‌ی طول جغرافیایی را شامل می‌گردد. (گلی زواره، ۱۳۸۵)، (۱۶۱) قلمرو جغرافیایی جهان اسلام را - که از اکثریت جمعیت بیش از ۵۰ درصد مسلمان برخوردار است - می‌توان به دوازده منطقه‌ی جغرافیایی محدودتر، به شرح زیر تقسیم بندی نمود:

- جنوب شرق آسیا: شامل جنوب فیلیپین، برونئی، اندونزی، مالزی و سنگاپور.
- جنوب آسیا: شامل بنگلادش، پاکستان، مالدیو و بخش‌های مسلمان نشین هند.
- فلات ایران: شامل کشورهای ایران و افغانستان.
- آسیای مرکزی: شامل ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان و بخش‌های غرب چین.

۶۴/ تحلیل ژئوپلیتیکی عوامل هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام

- قفقاز و ترکیه: شامل آذربایجان، ترکیه، مناطق خودمختار مسلمان‌نشین روسیه؛ مثل چچن و داغستان، و بخش‌هایی از قبرس و گرجستان.
- جنوب شرق اروپا: شامل آلبانی و بوسنی و هرزگوین.
- شمال آفریقا: شامل مصر، الجزایر، لیبی، تونس، مراکش و صحرا.
- شرق آفریقا: شامل سومالی، سودان، اتیوپی، اریتره، تانزانیا، کومورو.
- غرب آفریقا: شامل موریتانی، سنگال، گینه، سیرالئون، گامبیا، ساحل عاج و نیجریه.
- آفریقای مرکزی: شامل مالی، چاد، نیجر، بورکینافاسو.
- شبه جزیره عربستان: شامل عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، عمان، یمن.
- منطقه‌ی عربی شرق مدیترانه: شامل لبنان، فلسطین، اردن، سوریه و عراق.

نقشه‌ی شماره‌ی ۱: جغرافیای سیاسی جهان اسلام



منبع: دار ه المتک العبداعیز، ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۹م: ۲۹

مساحت جهان اسلام، شامل ۵۱ کشور، برابر با ۳۲۴۲۲۸۵۲ کیلومتر مربع است که در حدود ۲۲٪ خشکی‌های سطح زمین را در بر می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۷۹)، (۲۴۶). از جهت ناهمواری، جهان اسلام سرزمینی گسیخته به نظر می‌رسد که ترکیبی از ارتفاعات، دشت‌های خشک و صحراها، جلگه‌های حاصل‌خیز، فلات‌ها، شبه‌جزیره‌ها، جزایر و ... را شامل می‌شود. معروف‌ترین ارتفاعات را، ارتفاعات اطلس در شمال افریقا، ارتفاعات پیندوس در آلبانی، توروس و آنتی توروس، پونتین در ترکیه، قفقاز، البرز، زاگرس، سلیمان، هندوکش و پامیر تشکیل می‌دهد.

از نظر دسترسی به فضاها، بزرگ‌ترین جغرافیایی جهان، دنیای اسلام به اقیانوس‌های بزرگ اطلس، هند و آرام و هم‌چنین به قاره‌های بزرگ آسیا، افریقا، اروپا و اقیانوسیه دسترسی دارد. (گلی زواره، ۱۳۸۵)، (۱۶۲-۱۶۰)

در کل، دنیای اسلام، ۲۱٪ جمعیت جهان، ۲۲٪ خشکی‌ها و فضاها، جغرافیایی جهان، ۲۷٪ کشورهای مستقل جهان و ۲۷/۵٪ اعضای سازمان ملل متحد را در اختیار دارد. منابع قدرت جهان اسلام را، علاوه بر جمعیت، فضا و مساحت، عوامل دیگری نیز تشکیل می‌دهند که عبارتند از:

- دسترسی به سه اقیانوس بزرگ و چهار قاره‌ی جهان به طور مستقیم
- در بر داشتن ۷۰٪ ذخایر نفت جهان و حدود ۳۰٪ گاز طبیعی جهان
- برخورداری از منابع آب شیرین رودخانه‌ای و دریاچه‌ای
- برخورداری از جلگه‌های حاصلخیز و برجسته در جهان
- برخورداری از زمینه‌ی مناسب برای تولید انرژی خورشیدی در مناطق صحرائی و غیرصحرائی
- برخورداری از تولید قابل توجهی از انرژی برق آبی (هیدروالکتریک)
- برخورداری از منابع مهم معدنی از گونه‌های مختلف فلزی و غیر فلزی
- برخورداری از اقلیم و مناطق و الگوهای آب و هوایی متنوع و دسترسی به انواع محصولات کشاورزی و باغی و دامی.
- در اختیار داشتن گذرگاه‌های عمده و استراتژیک جهان؛ نظیر مالاکا، باب‌المندب، هرمز، جبل الطارق، بسفر و داردانل، سوئز، تیرانا و ... (حافظ نیا، ۱۳۷۹)، (۲۴۹-۲۵۰)

ب) هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام

۱- هم‌گرایی در جهان اسلام

مهمترین عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر در هم‌گرایی جهان اسلام (نمودار (۳)) عبارتند از:
- احساس تهدید مشترک

احساس تهدید مشترک، امروزه به مهمترین عامل هم‌گرایی در جهان اسلام تبدیل شده است. یکی از این تهدیدهای مشترک در جهان اسلام تهدید صهیونیسم است که بر بستر اجتماعی- فرهنگی دین یهود بنا شده است. که به بخشی از دنیای اسلام تعرض کرده و در داخل سرزمین‌های اسلامی، به تشکیل دولت- ملت یهودی اقدام کرده است. هیچ چیز به اندازه‌ی این تهدید زمینه‌ی انسجام در دنیای اسلام را فراهم نیاورده است. یکی دیگر از منابع تهدید، تمدن غرب است که در قالب مبارزه با تروریسم به صف بندی دنیای غرب در مقابل دنیای اسلام انجامیده است.

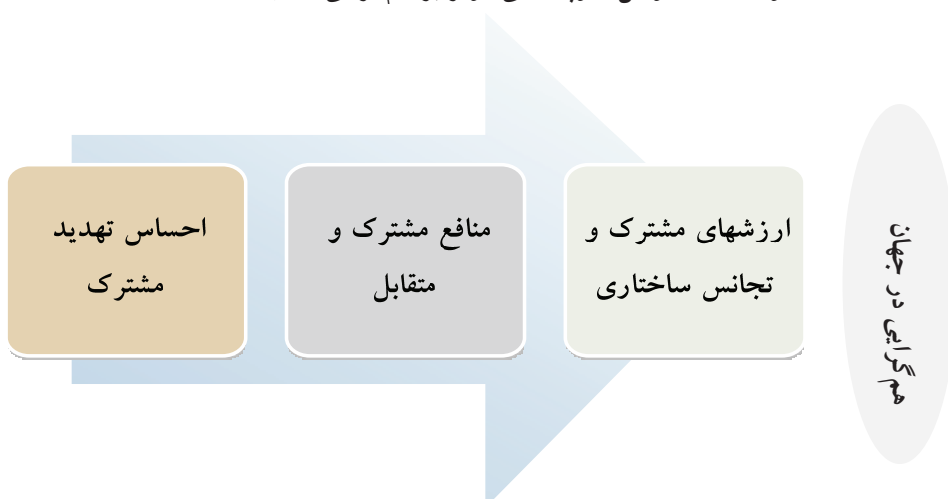
- منافع مشترک و متقابل

بر پایه‌ی این منافع مشترک و متقابل، سازمان منطقه‌ای نظیر اگو، سازمان همکاری خلیج فارس، اپک، دی هشت، سازمان کنفرانس اسلامی و ... در دنیای اسلام شکل گرفته است که سبب شده است که کشورهای جهان اسلام به سوی هم‌گرایی و وابستگی بیشتر حرکت کنند.

- ارزش‌های مشترک و تجانس ساختاری

ارزش‌های ساختاری نظیر دین، زبان، فرهنگ، آرمان مشترک و ... نیز به انسجام و هم‌گرایی در بین کشورهای جهان اسلام کمک کرده است. نتیجه‌ی این سه عامل هم‌گرا در بین کشورهای جهان اسلام، حرکت این کشورها در جهت انسجام و شکل‌دادن به سمت سازه‌ی ژئوپلیتیکی در ساختار ژئوپلیتیکی جهان در آینده‌ی نزدیک می‌تواند باشد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵)، جزوه‌ی منتشر نشده‌ی جغرافیای سیاسی جهان اسلام)

نمودار (۳): عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر هم‌گرایی در جهان



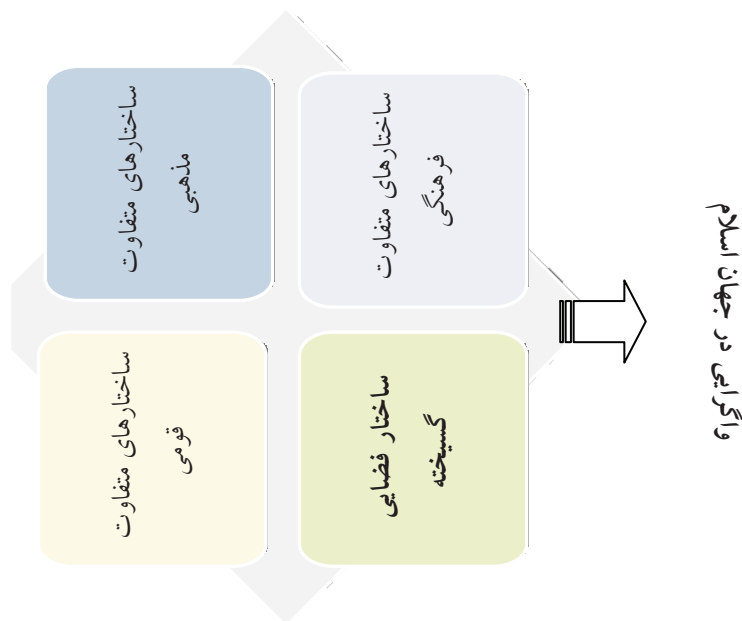
ترسیم از نگارندگان

۲- واگرایی در جهان اسلام

در تمامی سیستم‌های فضایی- سیاسی، عوامل و متغیرهای ژئوپلیتیکی ایجادکننده‌ی واگرایی را می‌توان به دو دسته‌ی زیربنایی و روبنایی طبقه بندی نمود. جهان اسلام نیز به عنوان یک سیستم ژئوپلیتیکی که از مجموعه‌های متفاوت و ناهمگون، به لحاظ فرهنگی، زبانی، قومیتی، اقتصادی و سیاسی تشکیل شده است، از این اصل مجزا نیست. و بر این اساس می‌توان متغیرهای بنیادی و زیربنایی واگرا ساز در جهان اسلام را به شیوه‌ی زیر بیان کرد:

- ساختارهای متفاوت مذهبی
- ساختارهای متفاوت قومی
- ساختارهای متفاوت فرهنگی
- ساختار فضایی جهان اسلام و گسیختگی فضایی آن (نمودار (۴))

نمودار (۴): عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر واگرایی در جهان اسلام



ترسیم از نگارندگان

علاوه بر موارد فوق، متغیرهای زیر نیز به عنوان متغیرهای روبنایی واگرا ساز در جهان اسلام به شمار می‌آیند:

- ایدئولوژی‌های سیاسی و رژیم‌های سیاسی گوناگون در دنیای اسلام
- تعارضات سرزمینی و اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای اسلامی
- نیروهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای
- رقابت بر سر منافع ملی بین حکومت‌های اسلامی
- ضعف تعاملات و مبادلات اقتصادی میان کشورهای جهان اسلام
- تفاوت سطح توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی کشورهای اسلامی با همدیگر (Adlson, 1995: 78).

چالش‌های فراروی منطقه‌گرایی در جهان اسلام

تغییر اتحادها در میان کشورهای اسلامی، ویژگی رایج این صحنه‌ی ژئوپلیتیکی است. ایدئولوژی، اقتصاد، شخصیت‌ها، کودتاها، موفق، منافع و حمایت قدرت‌های بزرگ، همگی در تغییر دوستی‌ها و دشمنی‌ها میان کشورهای اسلامی نقش ایفا می‌کند. تا وقتی کشورهای اسلامی تحت حاکمیت رژیم‌های استبدادی هستند، تغییرات در سیاست خارجی آن‌ها به خواست یک یا تنی چند از اشخاص بستگی خواهد داشت. (Roberson, (1998), 134)

نیروهای خارجی مهم و تأثیرگذار بر تغییرات منطقه‌ای، زنجیره‌ای از تحولات هستند. فروپاشی نظام استعماری اروپایی، نفوذ عمیق قدرت ایالات متحده و شوروی در طول جنگ سرد، سقوط اتحاد شوروی و افزایش نفوذ امریکا، رشد سریع تقاضای جهانی برای نفت و گاز طبیعی، تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ، اقتصاد و سیاست اکثر کشورهای مسلمان و به‌تازگی فشارهای وارده بر جهان اسلام برای همکاری با ایالات متحده و متحدانش در جنگ علیه تروریسم (کوهن، (۱۳۸۷)، (۷۰۹)). درکل، چالش‌ها و موانع فراروی هم‌گرایی در این منطقه را می‌توان به دو دسته، چالش‌های بیرونی و درونی تقسیم کرد:

الف) چالش‌ها و موانع بیرونی

مهم‌ترین چالش بیرونی را می‌توان حضور نیروهای فرامنطقه‌ای به‌خصوص ایالات متحده‌ی امریکا، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، برای اعمال سیاست امنیت تک قطبی، براساس هژمونیک‌گرایی، یک جانبه‌گرایی، قدرت طلبی و رادیکالیزه کردن فضای سیاسی منطقه دانست. به علاوه، امریکا با پرچم‌داری نظریه‌ی مبارزه با تروریسم، خواهان غلبه بر اراده یا همراهی کردن قدرت‌های دیگر؛ نظیر اتحادیه‌ی اروپا، روسیه و چین و نیز مهار عربستان، ایران و سوریه است. تبدیل عراق به پایگاه نظامی امریکا، ایجاد صف بندی ترکیه، اسرائیل، اردن و عراق به جای ساختار شورای همکاری خلیج فارس، ایجاد ساختار جدید همکاری امنیتی بدون مشارکت عربستان و سوریه، دسترسی ایمن به نفت خاورمیانه با استقرار رژیم دوست در عراق، تقلیل محوریت ایران و

عربستان در تعیین قیمت نفت در اوپک، تضعیف روند اسلام‌گرایی در منطقه، ادغام هم‌گرایی خاورمیانه در نظام لیبرال‌دموکراسی غربی، تحمیل اصلاحات سیاسی و اقتصادی به حکومت‌های اقتدار‌گرای منطقه، تزریق سکولاریسم و اقتصاد بازار آزاد به روند هم‌گرایی منطقه‌ای، بسط هم‌گرایی اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا با نفت، تکمیل موفقیت‌آمیز فرایند صلح خاورمیانه و حل اختلافات دیرینه‌ی اعراب و اسرائیل و ... در زمره‌ی اهداف امریکا از تهاجم به عراق در راستای شکل‌دهی مجدد به نظم خاورمیانه‌ای محسوب می‌شود (دهشیری، ۱۳۸۳)، ۹۹-۹۷.

ب) چالش‌ها و موانع درونی

از این دسته موانع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **موانع سیاسی**، شامل: بی‌نظمی سیاسی، وجود دولت‌های ناکام و ناکارآمد، درگیری‌های مرزی، جرایم سازمان‌یافته از جمله تروریسم، توزیع نامتناسب قدرت، وجود منازعات و اختلافات درونی، ناهماهنگی‌های نظام‌های سیاسی و رشد ایدئولوژی‌های افراطی و ... (روشندل و سیف زاده، ۱۳۸۳)، ۵۶.

- **موانع اجتماعی**، شامل: منازعات قومی وسیع، مهاجرت‌ها و جریان‌های آوارگان و پناهندگان، شکاف‌های قومی و قبیله‌ای، فرقه‌گرایی مذهبی، گسترش فقر در سطح وسیع، ناآرامی‌های اجتماعی، خشونت‌گرایی و ...

- **موانع اقتصادی**، شامل: شکاف اقتصادی فزاینده، ساختار تولیدی مبتنی بر رقابت و نه همکاری، سطح نازل فن‌آوری، توسعه‌ی ناهمگن صنعتی، تک‌محصولی بودن، کمبود تولید، ناهماهنگی قوانین گمرکی، وجود شکاف درآمدی، کاهش رفاه و رشد بیکاری، فرار سرمایه و مشکلات توزیع اقتصادی.

- **موانع ساختاری**، شامل: فقدان رهبری و مدیریت مناسب، فقدان یک قطب قدرتمند منطقه‌ای برای هویت هم‌گرایی، ناکارآمدی نهادهای منطقه‌ای، ضعف مدیریت سیاسی- اقتصادی، ناتوانی در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای، ضعف زیرساخت‌های لازم برای هم‌گرایی منطقه‌ای، درجه‌ی پایین توسعه‌یافتگی، ویژگی‌های مختلف جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و ارتباطی (دهشیری، ۱۳۸۳)، ۱۰۲-۱۰۱.

نتیجه‌گیری

ساختار فضایی- جغرافیایی جهان اسلام که شامل بیش از پنجاه کشور و حدود بیست و دو درصد خشکی‌های جهان می‌شود، دارای عوامل ژئوپلیتیکی متعدد هم‌گرا نظیر تهدیدات مشترک، منافع مشترک و متقابل و ارزش‌های مشترک و ساختارهای مشابه هستند، که به صورت‌های مختلف، توانایی ایجاد هم‌گرایی و تعامل بین

کشورهای جهان اسلام را فراهم می‌آورند. از سوی دیگر، در این ساختار فضایی - جغرافیایی، عوامل ژئوپلیتیکی وجود دارد که زمینه‌ی واگرایی را در بین این کشورها فراهم می‌آورد.

عوامل ایجاد واگرایی در جهان اسلام و مایل نبودن کشورهای اسلامی به تشکیل یک گروه‌بندی وسیع منطقه‌ای در قلمرو جغرافیایی دنیای اسلام، به مجموعه عوامل درونی و بیرونی مربوط می‌شود.

مهمترین عامل بیرونی را می‌توان حضور نیروهای فرامنطقه‌ای به خصوص ایالات متحده‌ی آمریکا در منطقه، برای اعمال سیاست امنیت تک قطبی بر اساس یک جانبه‌گرایی، قدرت‌طلبی و رادیکالیزه کردن فضای سیاسی منطقه دانست.

در کنار این عامل، عوامل درونی که واجد اهمیت بیشتری در این رابطه هستند، عبارت‌اند از: اختلافات و تعارضات کشورهای اسلامی با یکدیگر به خاطر ساختارهای متفاوت فرهنگی، مذهبی، قومی و زبانی. در کنار این عوامل، ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت حکومت‌ها، رقابت بر سر قدرت و منافع ملی، ضعف تعاملات اقتصادی و تفاوت سطح توسعه میان کشورهای اسلامی نیز نقش عمده‌ای در دور شدن هر چه بیشتر دنیای اسلام از یکدیگر ایفا می‌کند.

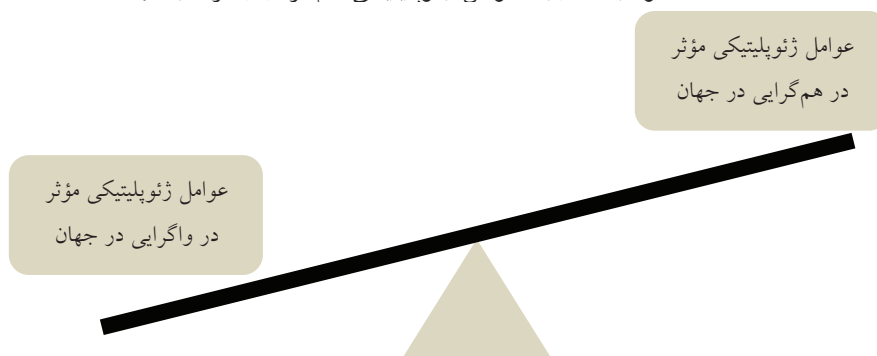
جهان اسلام به عنوان یک کلیت ساختار فضایی - جغرافیایی، با برخورداری از امکانات و توانایی‌های عظیم بالقوه و بالفعل در زمینه‌های طبیعی و انسانی، و داشتن موقعیتی بی‌نظیر به لحاظ ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک در صحنه‌ی جهانی، و علی‌رغم اشتراکات عدیده‌ی فرهنگی و دینی و عقیدتی میان اعضای آن، تاکنون نتوانسته است به یک هم‌گرایی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دست یابد. به گونه‌ای که حتی گروه‌بندی‌های منطقه‌ای با کارکرد اقتصادی در مقیاس محدودتر نیز به ندرت در جهان اسلام مشاهده می‌شود و این در حالی است که هم‌گرایی‌های منطقه‌ای و تشکیل گروه‌بندی‌های منطقه‌ای با کارکردهای مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به عنوان یکی از پیامدهای ژئوپلیتیکی پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی حاکم بر جهان به شمار می‌رود.

بر همین اساس، کشورهای مختلف در اقصی نقاط جهان با داشتن اشتراکات حداقلی، اقدام به شکل‌دهی گروه‌بندی‌های منطقه‌ای نموده‌اند. این امر نشان دهنده‌ی این مسأله است که در ساختار فضایی - جغرافیایی جهان اسلام عوامل هم‌گرا نتوانسته‌اند به نحو احسن زمینه‌ی همکاری و تعامل کشورهای مسلمان را فراهم آورند.

در مجموع می‌توان گفت که در حال حاضر، در جهان اسلام عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر واگرایی وزن بالاتری نسبت به عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر هم‌گرایی دارند (نمودار (۵)) که این خود سبب شده است که تنشها و اختلافات در این ساختار فضایی -

جغرافیایی بیشتر شود و هم‌گرایی در بین کشورهای جهان اسلام صورت نگیرد. نمونه‌ی بارز این وضعیت غالب را می‌توان در عدم توسعه‌ی سازمان‌های منطقه‌ای و همچنین در عدم اقتدار و انسجام در سازمان‌های منطقه‌ای در جهان اسلام، نظیر اکو، به روشنی مشاهده کرد.

نمودار(۵): وزن عوامل ژئوپلیتیکی هم‌گرا و واگرا در جهان



منابع و مأخذ

منابع فارسی

۱. احمدی‌پور، زهرا (۱۳۸۵)، «جزوه‌ی درسی نظریه‌های جغرافیای سیاسی»، دانشگاه تربیت مدرس، منتشر نشده.
۲. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، «جزوه منتشر نشده درس جغرافیای سیاسی جهان اسلام»، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد (۱۳۸۳)، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: سمت.
۴. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۷۹)، *مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی*، جلد اول، قم: سازمان حوزه ها و مدارس علمیه‌ی خارج از کشور.
۵. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: نشر پاپلی.
۶. *دائرة الملك عبدالعزيز*، ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۹م. *الاطلس التاريخي للمملكة العربية السعودية*، الرياض: مرکز نظم المعلومات الجغرافية.
۷. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۳)، *مسائل و چالش‌های خاورمیانه*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۸. روشندل، جلیل و سیف زاده، حسین (۱۳۸۲)، *تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس*. تهران: مرکز مطالعات خاورمیانه.

۹. عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۸)، *جغرافیای سیاسی جهان اسلام*. قم، واحد تدوین کتب درسی.
۱۰. عزتی، عزت‌الله. (۱۳۸۰)، *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، تهران: سمت.
۱۱. قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۰)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*. تهران: سمت.
۱۲. کمپ، جفری و هارکاو، رابرت (۱۳۸۳). *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه* (جلد اول)، ترجمه‌ی مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
۱۳. کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷)، *ژئوپلیتیک نظام جهانی*، ترجمه‌ی عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر.
۱۴. کاظمی، علی اصغر، (۱۳۷۰)، *نظریه‌ی هم‌گرایی در روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات قومس.
۱۵. گلی زواره، غلامرضا. (۱۳۸۵)، *جغرافیای جهان اسلام*، قم: مرکز آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱)، «*جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*»، تهران: نشر سمت
۱۷. محمودی، احمد. (۱۳۸۱)، *ارتباط و روند همگرایی در منطقه‌ی خلیج فارس بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰*، به راهنمایی سید جلال دهقانی فیروز آبادی. رشته‌ی علوم سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۸. مویر، ریچارد. (۱۳۷۹)، *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه‌ی: دره میرحیدر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۹. میرحیدر، دره. (۱۳۸۲)، *مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران: نشر سمت.
۲۰. ویک‌لین، جان. (۱۳۶۸)، *مبانی دیپلماسی*، تحقیق و ترجمه‌ی عبدالعلی قوام، تهران: نشر قومس.

منابع لاتین

21. Adlson, Roger. 1995. **London and the invention of the Middle East: Money, Power and War**. Yale university press.
22. Cowie, A.P. (1989). **Oxford Advanced Learners Dictionary**. UK: Oxford University Press.
23. Haas, Ernest. B (1958). *The Uniting of Europe*. Stanford.
24. Lewis, Bernard. 1994. **The shaping of the modern Middle East**. Oxford university press.
25. Roberson, B. 1998. **The Middle East and Europe**. the power deficit. London: Routledge
26. Rodrigue, Jean. 2004. **straits, passages and chokepoints: a maritime geostrategic of petroleum distribution**. special issue on maritime strategic passages second version.